

## حدیث تاریخ ساز دوازده خلیفه قریشی و نقد ادعای پیشران روشنفکری دینی در انکار میلاد امام دوازدهم<sup>۱</sup>

سید مهدی کریمی شهیدی<sup>۲</sup>

مجتبی سلطانی احمدی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱

### چکیده

مسئله این پژوهش، بررسی ادعای ناتوانی ادله تاریخی در اثبات ولادت امام دوازدهم از سوی پیشران جریان روشنفکری دینی به روش تبیین روایی با تکیه بر حدیث تاریخ ساز دوازده خلیفه قریشی است. ابتدا سقیفه، بستر پیدایش جریان خلافت، حدیث سوزی و حدیث سازی در سنت نبوی و سپس اصالت مهدویت در اندیشه اهل سنت بررسی می شود. مکتب خلافت با استناد به حدیث رسول خدا ﷺ مبنی بر لزوم قریشی بودن دوازده خلیفه؛ در سقیفه، پا گرفت. بخش اول این حدیث «دوازده خلیفه یا امیر» به تدریج با پس رانی مواجه شد، لذا عده ای از علمای اهل سنت از تفسیر این فراز روایت به دلایل مختلف عاجز ماندند. به عنوان یکی از عوامل، بازی های سیاسی براساس حافظه جمعی تاریخی موجود در میان مسلمین بر پایه سایر مفاد این حدیث و اخبار مهدویت، جریان منسوبین و مدعیان مهدویت را برانگیخت. اما در میان شیعیان تشکیل نظام های علمی، وکالت و نیابت از سوی امامان شیعه در آستانه ورود به عصر غیبت، وارث این حدیث یعنی حجت ثانی عشر را در میان شیعیان تثبیت کرد. از سوی دیگر ادله تاریخی ولادت، برخورد دستگاه خلافت

۱. در تهیه این پژوهش از آثار مرحوم علامه سیدمرتضی عسکری بهره فراوان برده شده است؛ خدا روح آن مرحوم را با اجداد طاهرینش محشور فرماید.

۲. کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور تهران جنوب، تهران، ایران (smk.shahidi@gmail.com).

۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (msoltani94@pnu.ac.ir).

در هنگامه میلاد و اهتمام جامعه شیعه در قبال این رویداد، همه بر وقوع این تولد دلالت دارند. سرانجام اعتراف به روح مهدویت شخصی موجود در این روایت و سایر اخبار موثق مهدوی در برخی آثار بزرگان اهل سنت، اثبات تاریخی این میلاد را به دنبال دارد.

### واژگان کلیدی

سقیفه، روشنفکری دینی، اصالت مهدویت، میلاد امام دوازدهم، حدیث دوازده خلیفه قریشی.

### مقدمه

مسئله این پژوهش، بررسی ادعای ناتوانی ادله تاریخی در اثبات ولادت امام دوازدهم از سوی پیشران جریان روشنفکری دینی به روش تبیین روایی با رویکرد تحلیلی با تکیه بر حدیث دوازده خلیفه قریشی است. برخی این روش را مختص تاریخ شمرده‌اند. در این رویکرد، توضیح رویداد با روایت وقایع پیش از آن، راه را برای تبیین ماجرا می‌گشاید. (اتکینسون، ۱۳۹۲: ۲۳-۶۵) براساس حوادث شاخص تاریخ صدر اسلام، دورنمایی قابل تصویر است که ناگفته‌ها براساس نقل‌های شایع دیگر و واکنش‌های پیرامونی آن کشف می‌شوند. به‌طور مسلم در این نمای کلی، نیمه پنهان تاریخ در روایتی است که با جزئیات بیشتر در میان کلیات مشترک و البته با همدلی حوادث زمانه، به ارائه مطلب می‌پردازد.

دکتر سروش بر آن است که «قصه امام زمان، قصه اعتقادی است و به لحاظ تاریخی قابل اثبات نیست» (سروش، ۲۰۱۶). وی در بیانی دیگر مدعی است که «موضوع امام دوازدهم جزو اصول و فروع اعتقادات اسلامی نیست» (سروش، ۲۰۲۰). این ادعا در حالی مطرح می‌شود که بنا به احادیث آمده در منابع اهل سنت منکر خروج مهدی علیه السلام، بر آنچه به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده کافر است:

عن جابر بن عبدالله قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أنکر خروج المهدی فقد کفر بما أنزل علی محمد... (جوینی، ۱۳۹۸: ج ۲، ۳۳۴).

در سال‌های اخیر انکار ولادت امام دوازدهم توسط بعضی از روشنفکران دینی ایرانی، نگارش مقالات تحقیقی چندی را به دنبال داشته است:

(حسینی بیواره، ۱۳۹۱)، «تحلیل مبانی کلامی اعتقاد به مهدویت در «المنار و المیزان» و (جلالی، ۱۳۹۴)، «نقد و بررسی دیدگاه رشیدرضا در حوزه مهدویت پژوهی» این دو پژوهش در حوزه علم کلام به اشکالات وارد شده از طرف رشید رضا پاسخ داده است.

(اصفهانی، ۱۳۹۵)، «مهدویت نوعی از دیدگاه جلال‌الدین بلخی و ابوالعلا مودودی و نقد

آن». براساس این پژوهش مهدویت، شخصی و منصبی الهی و نه نوعی است. مهدویت نوعیه ابداع صوفیه است. این مقاله فقط به بررسی و نقد این رویکرد پرداخته است.

(پنبه‌پز، ۱۳۹۶)، «نقد دیدگاه روشنفکران شیعی معاصر درباره ویژگی‌های امام مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمته‌الشریف با تأکید بر آیات و روایات». برخی از روشنفکران معاصر با نفی ویژگی‌های اساسی امام مهدی و غیرقابل اثبات دانستن تولد امام دوازدهم از لحاظ تاریخی، تکوین اندیشه غیبت را ناشی از نارضایتی عمومی اقلیت شیعه قلمداد نموده‌اند. رویکرد این مقاله روایی است.

(فهیمی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۷، ۴۷۹-۵۱۱)، «نقد و بررسی مقاله مهدی در دائرةالمعارف بریتانیکا با تأکید بر منابع اهل سنت». مؤلفین مقاله فوق برآنند که برخی از مستشرقان با عنوان کردن مطالبی بدون سند و نسبت دادن آن به اهل سنت، سعی در تخریب و انکار باور مهدویت دارند و بدین ترتیب موجب انحراف و به غلط افتادن مخاطبان می‌شوند. در حالی که بزرگان اهل سنت، خود در مهم‌ترین و قدیمی‌ترین کتاب‌های‌شان مسئله اعتقاد به مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمته‌الشریف و ظهور ایشان را با آیات قرآن و روایات فراوان مطرح ساخته‌اند. این مقاله در پی اثبات اصالت مهدویت است و میلاد امام دوازدهم را در نظر ندارد.

(پیشوایی، ۱۳۸۳)، «پیروزی نظریه حاکمیت قریش». در این مقاله با استناد به حدیث عدد خلفا، نشان داده شده که چگونه نه تنها ابوبکر به خلافت رسید و نه تنها قدرت و حکومت در انحصار قریش قرار گرفت و انصار از صحنه قدرت به دور ماندند، بلکه نظریه حاکمیت قریش در طول تاریخ اسلام پیروز شد. در این مقاله، نظریه حاکمیت قریش و پی‌آمدهای پیروزی این نظریه، بر محور حدیث الائمه من قریش، مورد نظر است.

(نورمحمدی، ۱۳۹۰)، «بازخوانی احادیث خلفای دوازده‌گانه با تأکید بر منابع اهل سنت». در این مقاله، ضمن نقل برخی از اقوال اهل سنت و مقایسه آنها با یکدیگر، تعداد، نام و خصوصیات این جانشینان دوازده‌گانه و مصادیق آن، بررسی شده است.

به طور کلی غلبه رویکردهای کلامی - روایی در نقد انگاره‌های روشنفکری دینی در این مقاله‌ها به چشم می‌خورد. البته تحلیل‌های ساده تاریخی و حتی عرفانی نیز در میان آنها وجود دارد. با توجه به این پیشینه‌ها، روش ویژه مطالعات تاریخی که در این پژوهش به کار رفته به دنبال نگاهی تخصصی در بازخوانی مسئله و مطالعات مربوط به آن است.

### سقیفه جولانگاه شتاب‌زده طرحی پیشین در شکل‌گیری مکتب خلافت

برخی از حوادث گذشته، چنان در زمان حال حضور دارند که دیدگاه برش ناپذیر نبودن تاریخ را ثابت می‌کنند. به عبارت دیگر پاره‌ای از رویدادها هنوز به زمان گذشته تحویل نشده‌اند (تقوی، ۱۳۸۴: ۹-۱۶). واقعه سقیفه از مهم‌ترین حوادث تاریخ صدر اسلام است. حادثه‌ای که اثر آن در موضوع امامت و رهبری بعد از پیامبر تا به امروز باقی است. شهرستانی درباره سقیفه می‌گوید:

واعظم خلاف بین الامه خلاف الامامه، اذ ما سل سيف في الاسلام على قاعدة دينيه مثل ما سل على الامامه في كل زمان (شهرستانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۳۱)؛  
 و بزرگ‌ترین اختلاف نظر در میان امت که هیچ شمشیری به خاطر یک بنیاد دینی در اسلام، چون شمشیری که به خاطر امامت کشیده شد، آهیخته نگردید.

بدون توجه به آثار سقیفه نمی‌توان تحلیل درستی از بسیاری مسائل تاریخ اسلام از جمله مهدویت به دست آورد.

خلافت ابوبکر نتیجه واقعه سقیفه و تلاش‌های فراوان عمر بود. براساس شواهد تاریخی این اتفاق براساس برنامه‌ریزی‌های قبلی صورت پذیرفت. گزارش‌هایی این حقیقت را آشکار می‌کند:

در جریان تعیین خلیفه دوم، ابوبکر عثمان را طلبید و گفت:

بنویس ... این آن چیزی است که ابوبکر بن ابی قحافه به مسلمانان وصیت می‌کند. اما بعد ... در این هنگام ابوبکر بیهوش شد. عثمان جمله خلیفه محتضر را چنین کامل کرد: اما بعد، من بر شما عمر بن الخطاب را خلیفه قرار دادم ... چون ابوبکر به هوش آمد، رو به عثمان کرد و گفت: بخوان، عثمان نوشته را خواند. ابوبکر گفت: همین را می‌خواستم بگویم (الطبری، ۱۸۷۹م: ج ۲، ۶۱۸).

عثمان از کجا خبر داشت که ابوبکر چه در دل دارد؟ از کجا می‌دانست که این وصیت در مورد جانشینی است؟ نامزد این پست را از کجا می‌شناخت؟

عمر نیز بارها در مورد جانشین خود گفته بود که اگر ابو عبیده یا سالم زنده بودند، خلافت را به ایشان واگذار می‌کرد. (ابن الاثیر، ۱۳۸۵: ج ۳، ۶۵) اما اجل این دو را فرصت نداد و قبل از عمر هر دو مردند.

## نتایج سقیفه

مرده ریگ سقیفه، بستر مناسب ظهور تفرقه و پردازش مکتب خلافت در اسلام را فراهم آورد، کتمان حدیث و سیره رسول خدا ﷺ را رگم زد، به مکتب خلافت تقدس بخشید و بدعی را آفرید. علی علیه السلام در این رابطه می فرماید:

... حَتَّى إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ وَغَالَتْهُمْ السُّبُلُ وَاتَّكَلُوا عَلَى الْوَلَايِحِ وَوَضَلُوا غَيْرَ الرَّجِمِ وَهَجَرُوا السَّبَبَ الَّذِي أُمِرُوا بِمَوَدَّتِهِ وَنَقَلُوا الْبِنَاءَ عَنْ رِصِّ أَسَاسِهِ فَبَنَوْهُ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ مَعَادِنُ كُلِّ حَاطِيَّةٍ وَأَبْوَابُ كُلِّ صَارِبٍ فِي عَمْرَةٍ قَدْ مَارُوا فِي الْحَيْرَةِ وَذَهَلُوا فِي السَّكْرَةِ عَلَى سُنَّةٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ مِنْ مُنْقَطِعٍ إِلَى الدُّنْيَا زَاكِنٍ أَوْ مُفَارِقٍ لِلدِّينِ مُبَايِنٍ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۹، ۱۳۲):

... تا آن که خدا پیامبرش را نزد خود برد، گروهی به گذشته جاهلی خود بازگشتند و با پیمودن راه های گوناگون به گمراهی رسیدند و به دوستان منحرف خود پیوستند و از دوستی با مؤمنان بریدند که به آن امر شده بودند و بنیان اسلامی را تغییر داده در جای دیگری بنا نهادند. آنان کانون هر خطا و گناه و پناهگاه هر فتنه جو شدند که سرانجام در سرگردانی فرو رفته و در غفلت و مستی به روش و آئین فرعونیان درآمدند، یا از همه بریده و دل به دنیا بستند و یا پیوند خود را با دین گسستند.

## دستاورد سقیفه: حدیث سوزی تا حدیث سازی

آنچه بر سر سیره و سنت پیامبر آمد در این مختصر نمی گنجد. در *مسند احمد* از عبدالله بن عمرو چنین روایت شده است:

قَالَ: كُنْتُ أَكْتُبُ كُلَّ شَيْءٍ أَسْمَعُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أُرِيدُ حِفْظَهُ، فَهَثِنِي قُرَيْشٌ، فَقَالُوا: إِنَّكَ تَكْتُبُ كُلَّ شَيْءٍ تَسْمَعُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَشَرٌ يَتَكَلَّمُ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا، فَأَمْسَكْتُ عَنِ الْكِتَابِ (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۱۱، ۵۷):

قریش به من گفتند: آیا شما هر چه از پیامبر می شنوی، می نویسی؟ در حالی که وی هم بشری است مانند همه افراد بشر و در حال غضب یا در حال رضا حرفی می زند و من از نوشتن آن کتاب خودداری کردم.

رسول خدا ﷺ در روزهای آخر عمر فرمودند:

برای من دوات و قلم بیاورید تا چیزی برای تان بنویسم که هرگز گمراه نشوید. عمر در این هنگام گفت: «... قد قلبه الوجع و عندكم القرآن حسبنا كتاب الله» بیماری و درد برا او غلبه کرده و قرآن ما را بسنده است (بخاری، ۱۴۲۴ق: ۱۰۷۳).

با این سخن حدود صد سال نشر حدیث متوقف شد.

بعد از نبی، شعار "حسبنا کتاب الله" توسط شیخین دنبال شد و به اصلی در مکتب خلافت تبدیل شد. به دنبال راندن خاندان رسول خدا ﷺ از متن جامعه، میان قرآن و حدیث جدایی افتاد و کتاب خدا براساس خواسته‌ها تفسیر شد. اما سنت رسول خدا ﷺ مانع بزرگی بر سر راه سیاست خلفا بود. ابوبکر پانصد حدیث از رسول خدا ﷺ جمع‌آوری کرد، لیکن پس از مدتی به بهانه این‌که احادیث ممکن است درست نقل نشده باشد، آنها را در آتش سوزانید (ذهبی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ۱۰-۱۱). در روزگار عمر، ستیز با نقل حدیث نبوی با شدت بیشتری دنبال شد. وی از نوشتن حدیث به بهانه ترک کتاب خدا نهی می‌کرد (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ج ۳، ۲۸۶).

بعد از حدیث‌سوزی دوران حدیث‌سازی از راه رسید. در این رابطه به ارائه تصویری از اهل سنت درباره شخصیت رسول خدا ﷺ بسنده می‌شود. به نقل از صحیح مسلم، عایشه خود را با پیامبر ﷺ در حالی زیر یک روانداز تصور می‌کند که پدرش ابوبکر داخل می‌شود. سپس عمر وارد این محفل می‌شود. نوبت به ورود عثمان که می‌رسد، رسول الله ﷺ برمی‌خیزد و لباس بر تن کرده و به عایشه نیز دستور تن‌پوشی می‌دهد! عایشه از حکمت این کار می‌پرسد. نبی می‌گوید: چگونه از مردی حیا نکند که ملائکه از او حیا می‌کنند؟! (مسلم، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۱۸۶۶)

دکتر سروش می‌گوید:

آن طوری که موجودیت یک کسی، مثل پیامبر اسلام به لحاظ تاریخی محرز است؛ یعنی مسلمان و نامسلمان وقتی به شواهد تاریخی مراجعه می‌کند، درمی‌یابد که چنین کسی آمده و چنان آثاری از خود به جای گذاشته و از دنیا رفته است هیچ کسی شکی ندارد. به لحاظ تاریخی مسلمان باشد یا نباشد، شیعه باشد یا نباشد... اما به امام دوازدهم که شما می‌رسید، تاریخ بسیار تاریک است (سروش، ۲۰۱۶).

آیا این همان سیمای محرز پیامبر ﷺ است که حکایت آن در یکی از دو کتاب اصلی روایی اهل سنت، یعنی صحیح مسلم آمده است؟ مسلماً این چهره‌سازی از رسول خدا ﷺ خیالی است، گرچه به قول دکتر سروش در مخیال مسلمین (سروش، ۲۰۲۱) نشسته باشد. البته در همین کتاب و نیز صحیح بخاری با وجود کتمان شدید و تخفیف اخبار، روایاتی وجود دارد که با قرائن تاریخی و حدیثی، منطبق بر امام دوازدهم است:

کیف انتم اذا نزل ابن مریم و امامکم منکم (مسلم، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۱۳۶؛ بخاری، ۱۴۲۴ق:

؛(۶۲۸)

چگونه خواهید بود به هنگامی که فرزند مریم در میان شما فرود آید و امام شما از خود شما باشد.

همان دستی که چهره رسول خدا ﷺ را مخدوش کرد، با بی‌پروایی بیشتر، به اهل بیت او نیز حمله ور شد و به تدریج هویت و جایگاه الهی ایشان را فراموشاند، راهبردی که حجت اثنی عشر هم از آن بی‌نصیب نماند. اگر دکتر سروش مدعی شود به همین جهت؛ تاریخ اضعف علوم است (سروش، ۲۰۱۷)، باید در جواب وی باید گفت: تاریخ نیز مانند سایر علوم، روش خود را دارد و نوعی همدلی، تعمیق و تحلیل در حواشی ماجرا به یافتن حقایق تاریخی منجر می‌شود.

### سقیفه و سانسور آموزه مهدویت در عرصه اخبار و احادیث

آنچه به صورت عمده از منابع اهل سنت نقل شد، همگی شواهدی استوار از جریان کتمان و سانسور در تاریخ اسلام است که سیاهه بلندی از خود به یادگار گذاشته است. با بررسی‌های تحلیلی می‌توان نمونه‌های عامدانه و آمرانه آن را به دست آورد. موضوع مهدویت از این رویکرد بی‌نصیب نمانده است. البته با این پیشینه، اختفای میلاد امام دوازدهم باید امری عاقلانه و منطقی تلقی شود. براساس احادیث منقول از رسول خدا ﷺ در صحاح سته، دقیقاً دوازده امیر و خلیفه بعد از ایشان خواهند بود. حدیث دوازده خلیفه قریشی در صحیح بخاری چنین آمده است:

سمعت النبی ﷺ یقول: ان هذا الامر لا ینقضی حتی یمضی. فسیکون اثنا عشر امیرا. فقال: کلمه لم اسمعها، فقال ابی: انه قال: کلهم من قریش (بخاری، ۱۴۲۴ق: ۱۳۳۳).

این حدیث در صحیح مسلم با عبارت "خلیفه" آمده است:

اسلام پیوسته عزیز خواهد بود تا دوازده خلیفه بر مسلمانان حکومت کنند. (راوی می‌گوید) سپس پیامبر سخنی فرمود که من نفهمیدم، پس به پدرم گفتم پیامبر چه فرمود؟ گفت، فرمود: تمام آنها از قریشند (مسلم، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۱۴۵۳).

راویان این دو نقل کوتاه در یک فراز کاملاً عاقل و شنوا و در فرازی دیگر نافهم و گنگ هستند! براساس آنچه از تاریخ صدر اسلام بیان شد، هشیاری کامل راویان مربوط به پاره‌ای از حدیث است که ابوبکر به مدد آن خلیفه شد و پاره دیگر حدیث با پس‌رانی مواجه شد. البته همین فراز به صورت آشکار ناقض مشروعیت مکتب خلافت است. این حدیث تاریخ‌ساز، قدرت

و حکومت را در انحصار قریش قرار داد و سبب دوری همیشگی انصار از قدرت شد. با همین رویکرد نه تنها خلفای نخست، بلکه خلفای دو سلسله اموی (۴۰-۱۳۲ق) و عباسی (۱۳۲-۶۵۶ق) به قدرت رسیدند. مولفان تاریخ خلافت در طول سده‌های بعدی شرط قریشی بودن خلیفه را تئوریزه کردند و بر آن پای فشرده‌اند. عبدالرحمن سیوطی در آغاز کتاب *تاریخ الخلفاء* می‌گوید:

ولم اورد احدا من الخلفاء العبيدیین؛ لان امامتهم غیر صحیحه، لاموز: منها: انهم غیر قرشیین... (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ۹)؛  
در این کتاب هیچ یک از خلفای عبیدی (فاطمی) را نیاوردم، زیرا امامت آنها به دلایلی صحیح نبود از آن جمله آنها قریشی نبودند.

اما سایر مفاد این حدیث به شرح زیر به دلایل مختلف از جمله سلطه دستگاه حاکمیت کمتر مورد توجه بود و به تدریج در آثار اهل سنت آشکار شد:

- این دوازده مرد بر مردم ولایت دارند؛
- این امت دوازده قیم دارند؛
- اگر این دوازده نفر از دنیا بروند زمین اهل خود را فرو می‌برد؛
- این خلفا و والیان به تعداد نقبای بنی اسرائیل دوازده نفرند؛
- زمین از قیام‌کننده به حق در راه خدا خالی نخواهد شد؛
- این قائم یا پیروز است و نمایان و یا خائف و پنهان تا حجت‌های الهی و نشانه‌های روشن خدا نابود نگردند.

علمای اهل سنت در بیان مقصود از امامان دوازده گانه دچار حیرتند و دیدگاه‌های بسیار متفاوت و متناقضی در این رابطه ارائه کرده‌اند. در واقع اندیشمندان مکتب خلافت در تفسیر این احادیث به دیدگاه واحدی نرسیده و از آوردن روایاتی که رسول خدا ﷺ، اسامی آن دوازده نفر را ذکر نموده پرهیز کرده‌اند. مسلماً ذکر اسامی این دوازده امیر، با سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون متمادی در تضاد بوده است. این روایات را محدثان مکتب اهل بیت در تالیفات خود با اسنادی که به نیکان صحابه می‌رسد از رسول خدا ﷺ آورده‌اند. نکته جالب توجه این‌که عده‌ای از علمای اهل سنت در مورد اسامی این امیران روایاتی آورده‌اند (عسکری، ۱۳۷۶: ۹-۴۷). در ادامه به برخی از موارد اشاره خواهد شد.

جوینی دانشمند نامی و شافعی اهل سنت حدیث ائمه اثنی عشر را به نقل از ابن عباس از



رسول خدا ﷺ چنین نقل می‌کند:

... قال رسول الله ﷺ: إن خلفائي وأوصيائي وحجج الله على الخلق بعدى لاثني عشر، أولهم أخي وأخوهم ولدي. قيل: يا رسول الله ومن أخوك؟ قال: علي بن أبي طالب. قيل: فمن ولدك؟ قال: المهدي الذي يملؤها قسطا وعدلا كما ملئت جورا وظلما والذي بعثني بالحق بشيرا ولم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيه ولدي المهدي، فينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلّي خلفه، وتشرق الأرض بنور ربها ويبلغ سلطانه المشرق والمغرب (الجويني، ۱۳۹۸: ۳۱۲).

دکتر سروش در پاسخ به این سؤال که آیا شما به وجود امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف معتقدید می‌گویید:  
من این امر را جزو اصول و فروع اعتقادات اسلامی نمی‌دانم! (سروش، ۲۰۲۰)

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که حتی علمای وهابی که به سرعت چماغ تکفیر را بر سر منکران باورهای خود وارد می‌کنند و در این رابطه به شدت افراطی هستند، باور مهدوی را اندیشه اصیل اسلامی می‌دانند. بن باز مفتی اعظم معاصر و متعصب وهابی عربستان سعودی، پیرامون امام مهدی عجل الله تعال فرجه الشريف و احادیث مربوطه چنین فتوا می‌دهد:

... أما إنكار المهدي المنتظر بالكلية كما زعم ذلك بعض المتأخرين فهو قول باطل؛ لأن أحاديث خروجه في آخر الزمان وأنه يملأ الأرض عدلا وقسطا كما ملئت جورا قد تواترت تواترا معنويا وكثرت جدا واستفاضت كما صرح بذلك جماعة من العلماء، منهم أبو الحسن الأبري السجستاني من علماء القرن الرابع، والعلامة السفاريني والعلامة الشوكاني وغيرهم، وهو كالإجماع من أهل العلم... (بن باز، بی تا: ج ۴، ۹۷).

در بیان فوق بن باز به صورت کلی انکار مهدی را باطل می‌داند و تعدادی از علمای اهل سنت را که بر تواتر احادیث مهدی تصریح کرده‌اند، نام می‌برد.

متقی هندی (م ۹۷۵ق) مؤلف کتاب مشهور *کنز العمال* فتاوی چهارگانه صادره از علمای مذاهب اربعه از اهل مکه درباره فرد منکر ظهور مهدی عجل الله تعال فرجه الشريف را نقل می‌کند. این علما شامل: ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ احمد ابوالسرور بن صبا حنفی، شیخ محمد بن محمد خطابی مالکی و شیخ یحیی بن محمد حنبلی می‌باشند. براساس این فتاوی فرد منکر اعتقاد به ظهور باید مجازات شود. ایشان تصریح کرده‌اند که واجب است فرد منکر را بزنند و او را تحقیر کنند تا ادب شود و به حق روی آورد و در غیر این صورت واجب القتل و مهدور الدم است (متقی هندی، ۱۳۹۹: ۱۷۸-۱۸۳).

با توجه به همین نقطه نظرها می‌توان به این مسئله تأکید کرد که باور مهدویت در میان اهل سنت باوری اصیل و مهم است و به هیچ وجه اعتقادی بی‌اهمیت نیست. از نیمه دوم قرن سوم هجری (۵ سال قبل از ولادت مهدی علیه السلام) تا به امروز در قرن پانزدهم، بیش از دو هزار جلد کتاب، رساله و مقاله به زبان‌های عربی، فارسی، اردو، ترکی استانبولی، تایلندی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و دیگر زبان‌های مناطق مسلمان‌نشین به قلم علما و دانشمندان شیعه و سنی در رابطه با مهدی علیه السلام تألیف یا ترجمه شده است (فقیه ایمانی، ۱۳۷۶).

#### آثار مستقل اهل سنت پیش از ولادت امام دوازدهم شیعه درباره مهدی علیه السلام

- اخبار المهدی / ابوسعید عباد بن یعقوب رواجنی (به نقل از ابدایه و النهایه ابن کثیر و تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی که از جمله علمای سنی متعصب می‌باشند)  
- الفتن و الملاحم / حافظ نعیم بن حماد (از اساتید بخاری) سنی مذهب  
- صاحب الزمان / ابوالعنبر محمد بن اسحاق بن ابراهیم سنی که پیش از غیبت کبرا تألیف شده است.

این آثار توسط محققین تا سی کتاب در بین شیعه و سنی به ثبت رسیده است.

#### برخی از آثار مستقل اهل سنت از آغاز غیبت تا پیش از قرن اخیر درباره مهدی علیه السلام

- ابراز الوهم من کلام ابن حزم / احمد صدیق بخاری  
- اربعین حدیث فی المهدی / ابوالعلاء همدانی  
- الاحادیث القاضیه بخروج المهدی / محمد بن اسماعیل امیریمانی  
- احادیث المهدی / ابوبکر خثیمه  
- احوال صاحب الزمان / سعدالدین حمویی  
- اخبار المهدی / بدرالدین حسن بن محمد بن ابراهیم نابلسی  
- الاذاعه لما کان و یکون بین یدی الساعه / سید محمد صدیق قنوجی بخاری  
- الاربعین / ابونعیم اصفهانی  
- الاشاعه لاشراط الساعه / برزنجی شافعی  
- امارات الساعه / شاه رفیع الدین بن امام شاه ولی الله دهلوی  
- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان / متقی هندی

- البعث و النشور / امام بيهقي
- البيان في علامات مهدي آخر الزمان / كنجي شافعي
- التوضيح في تواتر ما جاء في المنتظر و الدجال و المسيح / الشوكاني
- رساله في المهدي / ابن حجر مكي
- الرد على من قضى ان المهدي الموعود جاء و مضى / ملاعلى قارى هروى
- العرف الوردى في اخبار المهدي / جلال الدين سيوطى
- علامات المهدي / جلال الدين سيوطى
- عقد الدرر في اخبار المهدي المنتظر / مقدسى شافعي
- عقد الدرر في تحقيق القول بالمهدي المنتظر / احمد بن زيني دحلان
- علامات المهدي / صدر الدين قونوى
- علامات يوم القيامة / حافظ قرطبي مالكي
- عنقاء المغرب في بيان المهدي و وزرائه / محى الدين بن عربى اندلسى
- الفتن و الملاحم الواقعة في آخر الزمان / ابى الفداء ابن كثير دمشقى
- القول المختصر في علامات المهدي المنتظر / ابن حجر هيثمى شافعي
- مسئله في الغيبه / قاضى عبد الجبار معتزلى
- المشرب الوردى في مذهب المهدي / ملاعلى قارى هروى حنفى
- مُشرق الاكوان / سليمان بن ابراهيم قندوزى حنفى
- مناقب المهدي / حافظ ابونعيم اصفهانى
- المهدي / ابن قيم جوزيه
- المهدي / ابوداود سجستانى
- المهدي الى ماورد في المهدي / محمد بن طولون
- نبا الدجال / شمس الدين محمد ذهبى
- النهايه ، فتن و احوال آخر الزمان / ابى الفداء ابن كثير دمشقى
- الوعاء المختوم فى السر المكتوم فى اخبار المهدي / محى الدين بن عربى اندلسى
- اين آثار توسط محققين تا ۵۹ عنوان به ثبت رسیده است .

### بعضی از آثار مستقل اهل سنت در مورد مهدی علیه السلام طی سده اخیر

- ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون / ابوالفیض الغماری المغربی الشافعی
- الامام المهدی / ابوالفیض الغماری المغربی الشافعی
- البیانات عن المهدی / ابوالاعلی المودودی
- سلسله الاحادیث الصحیحہ / شیخ ناصرالدین الالبانی
- الفتوی فی مسئله المهدی المنتظر / رابطه العالم الاسلامی مکہ با نظارت شیخ محمد منتصر کتانی
- المهدی المنتظر / جهیمان العتیبی؛ طراح و رهبر اشغال مسجد الحرام به سال ۱۴۰۰ ق
- محققین این آثار را تا ۵۳ عنوان برشمرده اند (هاشم العمیدی، ۱۳۸۴: ۱۶-۲۶).

### راویان احادیث مهدی علیه السلام در میان علماء و محدثان اهل سنت

- عده کثیری از دانشمندان و محدثین اهل سنت که مؤلفین صحاح سته نیز بین آنها هستند؛ احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را در کتاب های خویش آورده و یا از گذشتگان خود به جهت احتجاج نقل کرده اند. به نام و اثر برخی از مشاهیر این دانشمندان اشاره می کنیم:
- ابن سعد (م ۲۳۰ ق) / الطبقات الکبری
- ابن ابی شیبہ (م ۲۳۵ ق) / المصنف
- احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) / المسند، الجمع بین الصحاح
- بخاری (م ۲۵۶ ق) / الصحیح، التاريخ الکبیر، اشاره به امام مهدی علیه السلام با وصف بدون ذکر اسم
- مسلم (م ۲۶۱ ق) / الصحیح، اشاره به امام مهدی علیه السلام با وصف بدون ذکر اسم
- ابن ماجه (م ۲۷۳ ق) / السنن
- ابوداود سجستانی (م ۲۷۵ ق) / السنن
- ابن قتیبہ دینوری (م ۲۷۶ ق) / عیون الاخبار
- ترمذی (م ۲۷۹ ق) / الصحیح
- طبری (م ۳۱۰ ق) / تفسیر طبری
- بربهاری (م ۳۲۹ ق) / شرح السنه
- مقدسی شافعی (م ۳۵۵ ق) / عقد الدرر، البدء و التاريخ

- حاکم نیشابوری (۴۰۵ق) / المستدرک
- بیهقی (م ۴۵۸ق) / الاعتقاد، البعث و النشور، دلائل النبوه
- خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق) / تاریخ بغداد
- بغوی (م ۵۱۰ق) / مصابیح السنه
- ابن عساکر (۵۷۱ق) / تاریخ دمشق
- ابن الجوزی (م ۵۹۷ق) / تاریخ ابن الجوزی
- ابن اثیر جزری (م ۶۰۶ق) / جامع الاصول من احادیث الرسول
- ابن عربی (م ۶۳۸ق) / الفتوحات المکیه، عنقاء المغرب فی بیان المهدی و وزرائه، محاضره الانوار
- ابن ابی الحدید معتزلی (م ۶۵۵ق) / شرح نهج البلاغه
- ابن منظور (م ۷۱۱ق) / ماده هدی از لسان العرب
- ابن تیمیه (م ۷۲۸ق) / منهاج السنه
- ذهبی (م ۷۴۸ق) تاریخ دول الاسلام، تذکره الحفاظ، تلخیص المستدرک، العبر فی خبر من غیر، میزان الاعتدال
- ابن قییم جوزیه (م ۷۵۱ق) شرح سنن ابی داود، المنار المنیف
- ابن کثیر (م ۷۷۴ق) البدایه و النهایه، نهایه البدایه
- ابن خلدون مغربی (م ۸۰۸ق) / کتاب العبر معروف به تاریخ ابن خلدون که چهار روایت از احادیث مهدی علیه السلام را صحیح و معتبر دانسته است
- ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) الاصابه، تهذیب التهذیب، فتح الباری، لسان المیزان
- سخاوی (م ۹۰۲ق) فتح المغیث، المقاصد الحسنه
- سیوطی (م ۹۱۱ق) الجامع الصغیر، الحاوی للفتوی، نشر العلمین
- ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ق) الصواعق المحرقه، القول المختصر
- محققین تا ۶۵ نفر از دانشمندان اهل سنت را تا اواخر قرن دهم در این باره برشمرده اند.
- در بین علمای متأخر نیز می توان چندین نفر را معرفی کرد:
- زبیدی حنفی (م ۱۲۰۵) تاج العروس ماده هدی
- قاضی شوکانی (م ۱۲۵۰ق) التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی
- احمد زینی دحلان شافعی (م ۱۳۰۴ق) السیره النبویه، الفتوحات الاسلامیه

- ابوالبركات آلوسی بغدادی حنفی (م ۱۳۱۷ ق) غالیه المواعظ  
- ناصرالدین البانی (م ۱۴۲۰ ق) سلسله الاحادیث الصحیحه  
محققین این مجموعه از علمای متقدم و متأخر اهل سنت را تا ۱۶۴ نفر بر شمرده اند (هاشم  
العمیدی، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۷ و ۸۲-۸۸؛ هاشم العمیدی، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۴).

### راویان احادیث مهدی علیه السلام از صحابه

بر اساس نام‌هایی از صحابه که در ادامه می‌آید؛ اگر فقط یک دهم این اشخاص چنین  
احادیثی را روایت می‌کردند، تواتر این احادیث تنها طبق منابع اهل سنت قابل اثبات بود.  
لیست اسامی بر اساس سال وفات تنظیم شده است:

- فاطمة الزهراء علیها السلام (م ۱۱ ق)

- معاذ بن جبل (م ۱۸ ق)

- قتاده بن نعمان (م ۲۳ ق)

- عمر بن خطاب (م ۲۳ ق)

- ابوذر غفاری (م ۳۲ ق)

- عباس بن عبدالمطلب (م ۳۲ ق)

- عبدالرحمن بن عوف (م ۳۲ ق)

- عثمان بن عفان (م ۳۵ ق)

- سلمان فارسی (م ۳۶ ق)

- طلحه بن عبدالله (م ۳۶ ق)

- حذیفه بن یمان (م ۳۶ ق)

- عمار بن یاسر (شهادت ۳۷ ق)

- امام علی علیه السلام (شهادت ۴۰ ق)

- عایشه (م ۵۸ ق)

- عبدالله بن عمر (م ۶۵ ق)

این اسامی از صحابه تا حدود ۶ نفر می‌رسد (هاشم العمیدی، ۱۳۸۴: ۶۸-۶۹ و ۸۲-۸۸؛  
همو، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۴).

از نظر حدیث‌شناسان مکتب خلافت، روایات مهدوی فوق حد تواتر است تا آن جا که

دانشوری چون علامه شوکانی در این رابطه کتابی با عنوان *التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی و الدجال و المسیح* نگاشته است. محققان ۹۱ نفر از علما و دانشمندان مکتب خلافت را که بر تواتر احادیث صحه گذاشته‌اند شمارش کرده‌اند (هاشم العمیدی، ۱۳۸۴: ۷۹ و ۹۰-۸۸).

ابوالفیض غماری حسنی شافعی مغربی (م ۱۳۸۰ق) در کتاب خود *ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون* در پاسخ به ابن خلدون چنان محکم به صحنه آمده که گویا وی منکر احادیث مهدوی است؛ در صورتی که ابن خلدون بیش از تضعیف این روایات پیش نرفته است. ابوالفیض بر آن است که به صورت طبیعی هم دستی و هم داستانی بر دروغ و جعل و فریب گروهی که به ۳۰ تن در همه طبقات مخبران یک حدیث می‌رسد، محال است. وی سپس نام این سی نفر را آورده که در پیش به نام جمعی از ایشان اشاره شد (هاشم العمیدی، ۱۳۸۴: ۶۹-۷۱).

عده کثیری از علمای مکتب خلافت بر صحت احادیث مهدوی تصریح کرده‌اند. شاخص‌ترین این افراد عبارتند از: ترمذی، حاکم نیشابوری، بیهقی، بغوی، ابن اثیر، قرطبی، ابن تیمیه، ذهبی، کنجی شافعی، ابن قیم، ابن کثیر، تفتازانی، سیوطی، شوکانی و ناصرالدین البانی هستند. بنابر تحقیقات انجام شده عده این افراد تا ۶۰ نفر هم می‌رسد (هاشم العمیدی، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۶).

در گفتاری با عنوان "آثار عربی و فارسی سنیان دوازده امامی" ۱۸ اثر از علمای اهل سنت در شرح حال زندگی دوازده امام جمع‌آوری شده است. این مجموعه با کتاب *فارسی مجمل التواریخ و القصص ابن شادی* حدود سال ۵۲۰ شروع شده و با معرفی کتاب *روضه الشهداء* ملاحسین کاشفی به پایان می‌رسد. به عبارت دیگر بزرگانی از میان اهل سنت، کتبی در شرح زندگی دوازده امام نوشته‌اند، که از این افراد با عنوان "سنی دوازده امامی" یاد می‌شود. از آن جمله: *مجمل التواریخ و القصص* از ابن شادی، *تذکره الخواص* از ابن الجوزی، *مطالب السئول* از ابن طلحه شافعی، *معالم العترة النبویة* از ابن اخضر گنابادی، *نزهة القلوب* از حمدالله مستوفی، *الفصول المهمة* از ابن صباغ مالکی، *الشدرات الذهبیة* از ابن طولون، *فصل الخطاب* از خواجه محمد پارسا، *الصواعق المحرقة* از ابن حجر هیتمی و... (جعفریان، ۱۳۷۶: ۲۴۷-۲۵۰).

### برآیند بررسی حدیث تاریخ ساز خلفای دوازده گانه قریشی

براساس آنچه آمد، از سر عمد به صورت عمده سیاسی، پاره‌ای از احادیث رسول خدا ﷺ

تقطیع و کتمان شده‌اند. همان‌طور که گفته شد راویان حدیث خلفای دوازده‌گانه، فقط قریشی بودن این امیران را به خوبی شنیده‌اند. براساس این حدیث، خلفای قریشی پی در پی هستند، لذا با حذف و اضافه اشخاص مختلف از خلفا توسط علمای اهل سنت در طول تاریخ، هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده است. بعدها به دلائلی چون از بین رفتن محدودیت‌ها و فشارهای قرون اول و تغییر بنیان اقتدار سیاسی؛ نام خلفای رسول خدا ﷺ توسط برخی از علمای اهل سنت افشا شد. براساس این روایات ولادت و طول عمر امام دوازدهم هم قابل اثبات است. در نهایت استناد احادیث به تعداد نقبای بنی اسرائیل در واقع بستن مسئله عدد خلفا و امیران است.

### شواهد تاریخی، اجتماعی و سیاسی ولادت در منابع شیعه و جهان اسلام

هنر علم تاریخ ارائه واقع بینانه‌ای از خلاءهای تاریخی به مانند سکوت میان دو موج دریا در برخورد به خشکی، یعنی بازگرداندن صدای گذشته یا حضور فعالانه امر غایب است (معینی علمداری، ۱۳۸۷: ۳-۴).

به سراغ تاریخ و روایات شیعی ولادت امام دوازدهم می‌رویم. منابعی که پاره‌های ناپدید تاریخ اسلام را به دست می‌دهند و رموز برخی از مطالب مبهم منابع معتبر مکتب خلافت را می‌گشایند. پر واضح است که این حرکت در چارچوب کلیات تاریخ اسلام انجام می‌شود؛ یعنی با تاکید بر مشترکات تاریخی و روایی منابع شیعه و سنی پیش می‌رویم و قسمت‌های مبهم را رمزگشایی می‌کنیم. چنین به نظر می‌رسد که قسمت‌هایی از احادیث از سر غفلت و بی‌توجهی علمای اهل سنت، تملق و چاپلوسی و یا عامدانه حذف شده‌اند تا جریان‌های حاکم بتوانند به حیات خود ادامه داده و تاریخ به نفع قدرتمندان تحریف شود.

وقتی به تاریخ تشیع درون تابلوی تاریخ اسلام و حدیث متواتر تعداد خلفای پیامبر می‌نگریم به اهل بیت پیامبر ﷺ می‌رسیم. افرادی که اکثریت مطلق اهل سنت بر فضل و برتری آنها معترفند و در این رابطه آثار فراوانی تألیف کرده‌اند. این شجره طیبه اصیل و خوشنام از گوشت و پوست پیامبر روئیده و از مهر تایید قرآن برخوردارند. این امیران و امامان طبق پیش‌بینی پیامبر یک به یک پا به عرصه وجود گذاشته‌اند و اصل، نسب، هویت و زیست آنها به خوبی مشخص است و قبور مطهر ایشان نیز از مدینه تا خراسان پراکنده می‌باشد.

با افزایش دشمنی حاکمیت، سال‌های حیات امیران و امامان معرفی شده توسط پیامبر نیز



رو به کاهش نهاد تا آن جا که حضرت جواد علیه السلام در ۲۴ سالگی به شهادت رسید (باسم الهاشمی، ۱۳۸۵: ۲۷). به دستور متوکل عباسی برای این که امامان شیعه همواره تحت نظر باشند؛ امام هادی علیه السلام و بستگانش در سال ۲۳۵ ق از مدینه به سامرا (لشکرگاه بنی عباس)، منتقل شدند (مسعودی، ۱۳۸۴: ۴۳۵).

### شواهد ولادت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام

تصریح امام حسن عسکری علیه السلام به ولادت فرزند با خبر دادن از ولادت و نشان دادن وی و نام کسانی که مهدی علیه السلام را دیده اند (کلینی، ۱۳۷۰: ج ۲، ۵۳۵-۵۴۸؛ ج ۳: ۵۱۹-۵۵۷)، شهادت قابله نوزاد حکیمه خاتون دخت گرامی امام جواد علیه السلام و یاری رسانان دیگر چون کنیز ابوعلی خیزرانی، ماریه و نسیم خدمتکاران امام عسکری علیه السلام (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۲۴-۴۲۵)، انجام سنت عقیقه (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۳۱-۴۳۲) و شهادت افرادی که مهدی را دیدند (ابن بابویه، ج ۲، ۴۴۱، ۴۳۵، ۵۰۲) همه و همه در تاریخ شیعه ثبت و ضبط می باشند.

### جریان های منسوبین و مدعیان مهدویت

از دیگر رویدادهای قطعی تاریخ اسلام در اثبات اصالت عقیده مهدویت و ظهور و قیام مهدی علیه السلام، دو پدیده منسوبین و مدعیان مهدویت است. عامل عمده پیدایش و گسترش این دو پدیده چشمداشتی مبتنی بر حافظه ای تاریخی بود که مردمان ستم دیده و بی پناه نسبت به ظهور منجی دادگستر براساس احادیث نبوی داشتند. گروه منسوبین را دیگران براساس انگیزه خاص مهدی نجات بخش خواندند و خود ایشان در این زمینه از جمله محمدبن حنفیه ادعایی نداشتند.

مدعیان مهدویت نیز با انگیزه های فریب کارانه و جاه طلبانه به ادعای مهدویت پرداختند. از جمله مهدی عباسی (م ۱۶۹ ق) که پدرش منصور ادعا کرد که وی مهدی موعود است (دیاری بیدگلی، سجادی، ۱۳۹۷: ۱۵۳-۱۷۳). در سال ۳۵۷ ق نیز پسر خلیفه المستکفی بالله، ادعای مهدویت کرد و عده ای با وی بیعت کردند (مفتخری، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۷۳).

۱۰۱

عباسیان با اطلاع از اخبار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره مهدی موعود وَجَاءَ الشَّرِيفُ وَ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ و موضوع برقراری حکومت عدل و رهایی بشر از بی عدالتی و با بهره برداری از قرابت نسبی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت وی، قیام خود را انقلاب مهدوی و سلطه گری خویش را حکومت عدل مهدوی نشان می دادند. در این رابطه با دست بردن در احادیث مهدویت در زمینه تبار و نسب مهدی،

سفیانی و رایات سود به جعل احادیث پرداختند (فقهی‌زاده، صادقی، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۶۴). حتی شعار معروف قیام عباسیان "الرضا من آل محمد" در همین راستا ارزیابی شده است (فیاضی، جباری، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۶۳).

عبیدالله مهدی پایه‌گذار حکومت فاطمیان در شمال آفریقا از اواخر قرن سوم تا پنجم، محمدبن عبدالله بن تومرت علوی حسنی در نیمه اول قرن ششم، محمدبن علی بن محمد سنوسی در شمال آفریقا و اوایل قرن سیزدهم، غلام احمد قادیانی در قرن سیزدهم و محمد احمد مهدی سودانی در اوایل قرن چهاردهم از دیگر این مدعیان هستند. برخی دیگر از مدعیان همچون سیدعلی محمد باب شیرازی و عبدالبهاء در زمان ناصرالدین شاه قاجار با واسطه استعمار روس و انگلیس به این ادعا پرداختند (قزوی، ۱۳۷۶: ۵۶۵-۵۸۰). در واقع مدعیان مهدویت و سوءاستفاده‌کنندگان از منسوبین، تأکیدی بر حافظه جمعی تاریخی و به نوعی تداعی‌کننده کالای تقلبی و بدلی از نمونه‌ای اصلی است.

پدیده قیام مدعیان مهدویت در میان اهل سنت تا سال‌های اخیر وجود داشته است. در عربستان این فتنه به رهبری جهیمان العتیبی و محمدبن عبدالله قحطانی (مهدی موهوم) رخ داد. جهیمیان در اول محرم سال ۱۴۰۰ قمری مسجدالحرام را اشغال کردند و افراد مسلح در بین رکن و مقام، با مهدی موهوم بیعت کردند. ایده جهیمیان این بود که مهدی در ابتدای قرن پانزدهم ظهور خواهد کرد، پنداری که بر خواب استوار بود! (کریمی شهیدی، ۱۳۹۸: ۳۸۶-۴۰۰)

علمای اهل سنت با توجه به اصالت آموزه مهدویت به مواجهه با جریان‌های انحرافی مهدویت در بین پیروان خود پرداخته‌اند و با تبیین آموزه مهدوی و شخصیت امام مهدی عجله، به معرفی ماهیت انحرافی مدعیان و برگزاری مناظره و نهی از تعامل و همزیستی با ایشان پرداخته‌اند (صفری فروشانی، کامیاب، ۱۳۹۶: ۸۹-۱۱۵).

### نظام وکالت

به دنبال شکل‌گیری اصحاب اجماع و سیستم شبکه‌ای نقل روایت ائمه اطهار عجله از زمان صادقین عجله که هدف آن حل مشکلات شرعی شیعیان در مناطق دوردست و یا زیر فشار خلفای وقت بود، نظام وکالت از زمان امام صادق عجله شکل گرفت. وکلا از معتمدین محلی بودند که با جمع‌آوری سؤال‌های شرعی و وجوهای مردم و تحویل آن به امام یا هزینه آن با

اذن ایشان فعالیت می کردند. افزایش فشار خلفای بنی عباس و پراکندگی شیعیان از علل شکل گیری این نظام بود.

### نظام نیابت

از زمان ائمه عسکریین علیهم السلام، نظام نیابت شکل گرفت و تا آخر دوران غیبت صغری ادامه یافت. این ساختار در راستای دیگر نظام هایی که توسط اهل بیت پا گرفت، ذهنیت شیعیان را جهت ورود به دوران غیبت کبری آماده کرد. چهار نایب خاص اشخاص کاملاً شناخته شده ای در میان مردم بودند که تاریخ نیابت دو نفر نخست از ایشان به زمان امام هادی علیه السلام می رسد. نواب اربعه از مردم دانا و پرهیزگار زمانه به شمار می آمدند، به طوری که نه فقط شیعیان بلکه اهل سنت نیز با دیده احترام به آنان می نگریستند. محل سکونت و قبور ایشان نیز در بغداد بود (معارف، ۱۳۸۷: ۵۳-۷۲). حسین بن روح نوبختی نایب سوم، در دورانی مورد احترام خلیفه بود، اما به دلیل ایجاد سوءظن به وی، مدتی در زندان خلافت به سر برد (موسوی، کسائی، ۱۳۸۷: ۲۷۶-۲۹۲).

### خلفای عباسی و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام

معتمد عباسی از فرزند امام عسکری علیه السلام بیمناک بود و بعد از فوت امام یازدهم در پی فرزند آن حضرت گروهی مفتش و قابله را مأمور کرد که سرزده به خانه امام حسن عسکری علیه السلام بروند و دنبال پسر او باشند و اثر حمل در کنیزان را بررسی کنند (کلینی، ۱۳۷۰: ج ۳، ۴۸۶-۴۸۷). شیخ مفید در *الارشاد* و فصلی با عنوان فوت امام حسن عسکری علیه السلام می نویسد:

و مَرَضَ أَبُو مُحَمَّدٍ فِي أَوَّلِ شَهْرِ ربيعِ الأَوَّلِ سَنَةِ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ ، وَ مَاتَ فِي يَوْمِ الجُمُعَةِ لثَمَانِ لَيَالٍ خَلَوْنَ مِنْ هَذَا الشَّهْرِ فِي السَّنَةِ الْمَذْكُورَةِ ، وَ لَهُ يَوْمَ وَفَاتِهِ ثَمَانٌ وَعَشْرُونَ سَنَةً ، وَ دُفِنَ فِي الْبَيْتِ الَّذِي فِيهِ أَبُوهُ مِنْ دَارِهِمَا بِسُرْمَنْ رَأَى وَ خَلَّفَ ابْنَهُ الْمُنْتَظَرَ لِذَوَلَةِ الْحَقِّ وَ كَانَ قَدْ أَخْفَى مَوْلَدَهُ وَ سَتَرَأَمْرَهُ ، لَصُعُوبَةِ الْوَقْتِ ، وَ شِدَّةِ طَلَبِ سُلْطَانِ الزَّمَانِ لَهُ ، وَ اجْتِهَادِهِ فِي الْبَحْثِ عَنْ أَمْرِهِ ، وَ لِمَا شَاعَ مِنْ مَذْهَبِ الشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ فِيهِ ، وَ عُرِفَ مِنْ انْتِظَارِهِمْ لَهُ ، فَلَمْ يَظْهَرْ وَ لَدَّهُ فِي حَيَاتِهِ ، وَ لَا عَرَفَهُ الْجُمْهُورُ بَعْدَ وَفَاتِهِ . وَ تَوَلَّى جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ أَحْوَابِي مُحَمَّدَ أَخَذَ تَرْكِبَتَهُ ، وَ سَعَى فِي حَبْسِ جَوَارِي أَبِي مُحَمَّدٍ وَ اغْتِقَالِ حَلَائِلِهِ ، وَ شَنَعَ عَلَى أَصْحَابِهِ بِانْتِظَارِهِمْ وَ لَدَّهُ وَ قَطَعَهُمْ بِوَجُودِهِ وَ الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ ، وَ أَعْرَى بِالْقَوْمِ حَتَّى أَخَافَهُمْ وَ شَرَّدَهُمْ ، وَ جَرَى عَلَى مَخْلَفِي أَبِي مُحَمَّدٍ بِسَبَبِ ذَلِكَ كُلِّ عَظِيمَةٍ ، مِنْ اعْتِقَالِهِ وَ حَبْسِهِ وَ تَهْدِيدِهِ وَ

تَصْغِيرٍ وَاسْتِخْفَافٍ وَذُلٍّ، وَلَمْ يَظْفَرْ السُّلْطَانُ مِنْهُمْ بِطَائِلٍ (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳۶).

براساس این نقل تاریخی بعد از وفات امام یازدهم، خلیفه وقت در جست و جوی فرزند ایشان بود و راجع به امر آن حضرت کوشش فراوانی کرد، زیرا عقیده شیعه امامیه درباره مهدی علیه السلام شایع بود و شیعیان انتظار آن حضرت را می کشیدند. عوامل معتمد عباسی بلافاصله بعد از شهادت امام یازدهم به منظور دستگیری فرزند به خانه ایشان یورش بردند. در این جریان اهل منزل زندانی شدند و جعفر در این اقدام نقش داشت. در این توطئه و یورش، بازماندگان امام حسن عسکری علیه السلام دچار مصیبت های فراوان، تهدید و بی احترامی شدند.

### نتیجه گیری

براساس حوادث تاریخ صدر اسلام دورنمایی از اتفاقات گذشته فراهم آمد. در سقیفه، مدعیان خلافت با استناد به حدیث لزوم قریشی بودن امیران، انصار را از میدان خارج ساختند. این حدیث بعدها تاریخ ساز شد. در قرون بعدی قسمت اول این حدیث یعنی برشمردن ائمه علیهم السلام یا امیران دوازده گانه پی در پی، علمای اهل سنت را دچار حیرت کرد، اما به تدریج توسط برخی از ایشان نام و نسب حقیقی این بزرگواران یعنی اهل بیت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار گشت. اصالت مهدویت در اندیشه اسلامی این رویکرد را رقم زد. با توجه به ریز اتفاقات مندرج در گزارشات شیعی می توان جزئیات این روند تاریخی و میلاد امام دوازدهم را از لایه لای تاریخ به تصویر کشید و ادعای دکتر سروش در تضعیف یا انکار این واقعه تاریخی را رد کرد.

### منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی.
۲. ابن الاثیر، ابوالحسن علی بن ابی الکرّم (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التایخ، بیروت: دار صادر.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، مسند، بیروت: مؤسسه الرساله.
۵. ابن سعد، ابوعبدالله محمد (۱۹۶۸م)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
۶. اتکینسون، آراف (۱۳۹۲)، نگاهی به دیدگاه های رایج در فلسفه معاصر تاریخ، مجموعه مقالات فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری، ترجمه و تدوین: حسینعلی نوذری، تهران:

انتشارات طرح نو.

۷. بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل (۱۴۲۴ق)، *صحیح البخاری*، تصحیح: محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار ابن حزم.

۸. بن باز، عبدالعزیز (بی تا)، *مجموع فتاویٰ عبدالعزیز بن باز*، بی جا: بی نا.

۹. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۳)، «پیروزی نظریه حاکمیت قریش»، *تاریخ درآئینه پژوهش*، شماره ۳.

۱۰. تقوی، سیدمصطفی (۱۳۸۴)، «تاملی در نظریه های تاریخ معاصر»، *مطالعات تاریخی*.

۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۷۶ش)، *منابع تاریخ اسلام*، قم: انصاریان.

۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، «نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذهب اهل سنت»، *هفت آسمان*، شماره ۵.

۱۳. حجاج نیشابوری، مسلم بن (۱۴۱۲ق)، *صحیح مسلم*، قاهره: دارالحدیث.

۱۴. حمویی جوینی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۸)، *فوائد السمطين*، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسه المحمودی.

۱۵. دیاری بیدگلی، محمدتقی؛ سجادی، مریم سادات (۱۳۹۷ش)، «نقش زبیدی و خلفای عباسی در جعل و تحریف احادیث مهدویت با رویکردی به اندیشه و آثار علامه شهید مطهری»، *دوفصل نامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی*، شماره ۱۹.

۱۶. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۹ق)، *تذکره الحفاظ*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۱۷. سروش، عبدالکریم (۲۰۲۰، ۲۳ اکتبر)، *پرسش امیرحسین: آیا شما به وجود امام زمان معتقدید؟* تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush.

۱۸. سروش، عبدالکریم (۲۰۲۱، ۱۴ فوریه)، *گفتگو «ارزیابی تحلیلی نقدهای نظریه دین و قدرت»*، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush.

۱۹. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۶، ۲۱ می)، *سخنرانی اقبال و مهدویت*، دانشگاه جرج واشنگتن امریکا، ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush.

۲۰. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۷، ۱۳ می)، *سخنرانی سلوک دیندارانه مدرن جلسه ۴۰*، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush.

۲۱. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۵ق)، *تاریخ الخلفاء*، مکه: مکتبه نزار مصطفی الباز.

۲۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا)، *الملل والنحل*، به کوشش: محمد بن فتح الله

- بدران، قاهره: مکتبه الانجلو المصریه.
۲۳. صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ کامیاب، مسلم (۱۳۹۶)، «سبک‌شناسی مواجهه عالمان اهل سنت در تقابل با انحرافات مهدویت»، فصل‌نامه انتظار موعود، شماره ۵۸.
۲۴. طبری، محمدبن جریر (۱۸۷۹م)، تاریخ الطبری، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۵. عسکری، سیدمرتضی (۱۳۷۶)، امامان این امت دوازده نفرند، ترجمه: محمدجواد کرمی، تهران: مجمع علمی اسلامی.
۲۶. فقهی‌زاده، عبدالهادی؛ صادقی، سیدجعفر (۱۳۹۳)، «نقش عباسیان در جعل و تحریف روایات مهدوی»، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۲۹.
۲۷. فقیه ایمانی، مهدی (۱۳۷۶ش)، اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن، بی‌جا: مهدی فقیه ایمانی.
۲۸. فیاضی، محمد انور؛ جباری، محمدرضا (۱۳۹۰)، «نمادهای اجتماعی شیعه در عصر حضور»، تاریخ درآئینه پژوهش، شماره اول.
۲۹. قزوینی، سید محمدکاظم (۱۳۷۶)، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه: علی کرمی و سیدمحمد حسینی، قم: نشر الهادی.
۳۰. کریمی شهیدی، سیدمهدی (۱۳۹۸)، اندیشه سلفی در گذر زمان، تهران: منیر.
۳۱. کلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق (بی‌تا)، اصول کافی، ترجمه: سیدجواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام).
۳۲. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۲ق)، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، طنطا (مصر): دارالصحابه للتراث.
۳۳. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴)، اثبات الوصیه، قم: انصاریان.
۳۴. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۲)، مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۳۵. معارف، مجید (۱۳۸۷)، «نظام‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی شیعه در آستانه غیبت تا پایان قرن پنجم»، شیعه‌شناسی، شماره ۲۴.
۳۶. معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۷ش)، «درآمدی بر مطالعه پدیدارشناختی تاریخ ایران»، نشریه مطالعات ملی، شماره ۳۶.
۳۷. مفتخری، حسین (۱۳۹۳)، «کارکرد اجتماعی مسجد در ایران عصر بویه»، تحقیقات تاریخ

- اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم.
۳۸. موسوی، سیدحسن؛ کسائی، نورالله (۱۳۸۷)، «پژوهشی پیرامون زندگی سیاسی و فرهنگی نواب اربعه»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۲.
۳۹. موسوی، سیدحسن؛ کسائی، نورالله (۱۳۸۷ش)، «پژوهشی پیرامون زندگی سیاسی و فرهنگی نواب اربعه»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۲.
۴۰. نعمان، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۱. نورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «بازخوانی احادیث خلفای دوازده گانه با تأکید بر منابع اهل سنت»، اندیشه نوین دینی، شماره ۲۷.
۴۲. هاشم العمیدی، سیدثامر (۱۳۸۳ش)، مهدی منتظر، ترجمه: محمدباقر محبوب القلوب، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۴۳. هاشم العمیدی، سیدثامر (۱۳۸۴ش)، درانتظار قنوس، ترجمه و تحقیق: مهدی علیزاده، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۴۴. الهاشمی، باسم (۱۳۸۵)، منجی به روایت اسلام و مسیحیت، ترجمه: محسن احتشامی نیا، تهران: نشر آفاق.